

میر قاسمی، امیر حسین، ۱۳۵۱ -  
مہجور / امیر حسین میر قاسمی۔ --- تهران : امیر حسین میر قاسمی  
۱۳۸۴،  
۶۷ ص.

ISBN 964-06-7703-5

فہرست نویسی بر اساس اطلاعات فیما.

۱. شعر فارسی -- قرن ۱۴. الف. عنوان.  
PIR ۸۲۲۳ / ۴۷۵۲۴م۹  
۱۳۸۴

۸۴۱-۳۰۴۵۱م

کتابخانه ملی ایران

مہجور

امیر حسین میر قاسمی

MIRGHASEMI2006@YAHOO.COM

چاپ اول ۱۳۸۵

شمارگان ۱۰۰ نسخه

چاپ : ریسو گراف / صحافی : آزاد / ناشر : مولف  
طرح روی جلد : المیرا زید

حق هر گونه چاپ و تقلید نزد مولف محفوظ است.

ملفوظ

نوشته :

امیرحسین میرقاسمی

|    |                           |
|----|---------------------------|
| ۱  | .....مادرم رنگ گیسوانش را |
| ۲  | .....باران که بارید       |
| ۴  | .....یادبادکی هستم        |
| ۵  | .....نسلهای قبل من        |
| ۶  | .....گل یاس               |
| ۷  | .....کفش می پوشم          |
| ۹  | .....چشمان تو             |
| ۱۰ | .....چشمان دریا ندیده     |
| ۱۱ | .....حیف شد               |
| ۱۲ | .....از همان راه که رفتی  |
| ۱۴ | .....ستاره ها را می بینم  |
| ۱۵ | .....نمی دانم؟            |
| ۱۶ | .....نمی دانی             |
| ۱۷ | .....معجزه بود            |
| ۱۸ | .....ستاره ها             |
| ۱۹ | .....در آن تاریکی         |
| ۲۰ | .....پایا عقب تر از تنم   |
| ۲۱ | .....تا آمدنت             |
| ۲۲ | .....مردم                 |
| ۲۳ | .....تی رویایی            |
| ۲۴ | .....دستهای موازی         |
| ۲۵ | .....دست بردار            |

|    |                                  |
|----|----------------------------------|
| ۲۶ | تو از روی پرو.....               |
| ۲۷ | خوش آمدی                         |
| ۲۸ | اول ثانیه های نیامد ؟ بفشین..... |
| ۲۹ | چشمانم چیدند                     |
| ۳۰ | دریچ سی و پنجمین ثانیه.....      |
| ۳۱ | آرام آرام                        |
| ۳۲ | من قدمهای تو.....                |
| ۳۳ | گم نمی شوی اگر بیائی             |
| ۳۴ | چشمی ، در گذشته.....             |
| ۳۵ | پائیزی ، پائیزی ، پائیزم         |
| ۳۶ | خانه ای باید.....                |
| ۳۷ | بعد از این                       |
| ۳۸ | مثل برگی.....                    |
| ۳۹ | نواحی مرطوب                      |
| ۴۰ | نگاهت چون شکوه الفباست.....      |
| ۴۱ | میدانی؟                          |
| ۴۲ | برایت می نویسم.....              |
| ۴۳ | می پرستم                         |
| ۴۴ | خوش آمدی قدم رنجه فرمودی.....    |
| ۴۵ | مجال دیدن نیست                   |
| ۴۶ | ظهر.....                         |

|    |                               |
|----|-------------------------------|
| ۴۷ | وقتی عقیده عقده خوانده می شود |
| ۴۸ | ساز قدمهایت                   |
| ۴۹ | خیلی ازما                     |
| ۵۰ | تا تو آمدی                    |
| ۵۱ | درمانده بود                   |
| ۵۲ | چهره ات                       |
| ۵۴ | مردی که خاکستر جمجه اش        |
| ۵۵ | طعم اشک                       |
| ۵۶ | خواب که می بینم               |
| ۵۷ | سر سنگین شده ای               |
| ۵۸ | دم صبح                        |
| ۵۹ | خانه ای بود                   |
| ۶۰ | گریه نه که غسل با آب          |
| ۶۱ | سایه آتش گرفته                |
| ۶۲ | بی صدا سبکتر از باد           |
| ۶۲ | وقتی خواب خورشید را دیدم      |
| ۶۴ | سر این آمدنت                  |
| ۶۵ | فانوس چشمانت                  |
| ۶۶ | پنجره ای نوری نارنجی          |
| ۶۷ | قطره ها سر می خوردند          |

ترتیبی را رعایت نکردم . درست مثل همانی که موجب  
وجود آمدن اینها بود .  
گاه از شروع گفتم و گاهی از میانه . از اندوهم و  
انتظارم ، و از آمیدم و نا آمیدم ، در همه آمیخته .  
در عمق غصه ، خاطره ای شیرین آمد . و در خوشی -  
دیروز \_ تکه های به جامانده از زمانمان ، سایه تاریکی ساخته بود  
برای فردا . . . .